



تحلیلی بر ابعاد تحولات جشن نوروز در سطح ملی و بین‌المللی هم‌راستا با فرهنگ و تمدن ایرانی

چکیده:

نوروز یکی از کهن‌ترین جشن‌های ایرانی است که ریشه در سنت‌های باستانی این سرزمین دارد. این جشن، نه تنها آغاز سال نو در تقویم هجری شمسی محسوب می‌شود، بلکه از دیدگاه اسطوره‌ای و تاریخی نیز دارای جایگاه ویژه‌ای است.

مقدمه:

نوروز، جشن باستانی ایرانی که آغاز سال نو را در تقویم ایرانی نشان می‌دهد، به‌عنوان یک رویداد فرهنگی و اجتماعی در ایران امروز همچنان جایگاه ویژه‌ای دارد. این جشن که در آغاز فصل بهار برگزار می‌شود، نه تنها نمادی از تجدید حیات طبیعت است بلکه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناسبت‌های فرهنگی، اجتماعی و ملی ایران با اهمیت فراوانی شناخته می‌شود. نوروز در ایران امروزی، علاوه بر بعد فرهنگی، جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز پیدا کرده و در بسیاری از زمینه‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: نوروز، فرهنگ، تاریخ، کشور

خاستگاه و پیشینه نوروز در متون و ادوار باستانی:

نوروز در متون کهن ایرانی از جمله اوستا، بندهشن، دینکرد و همچنین در روایت‌های تاریخی مانند شاهنامه فردوسی و نوشته‌های مورخان یونانی، ذکر شده است.

الف) در متون اسطوره‌ای و زرتشتی: براساس شاهنامه فردوسی، نوروز به جمشید، پادشاه اسطوره‌ای ایران نسبت داده می‌شود. در این روایت، جمشید پس از انجام اصلاحات و گسترش



رفاه در جامعه، بر تخت نشست و جهان را نورانی ساخت، از این رو این روز را «نوروز» نامیدند (فردوسی، ۱۳۸۹: ۳۴/۱).

از دیدگاه زرتشتی، نوروز با آفرینش انسان و تجدید طبیعت مرتبط است. متون پهلوی مانند بندهشن و دینکرد تأکید دارند که نوروز آغاز تجدید جهان و روزی مقدس در گاهشماری زرتشتی محسوب می‌شده است (مزدایور، ۱۳۸۱: ۲۳). در این روز، اهریمن شکست خورده و جهان به تعادل و نظم بازمی‌گردد (بویس، ۱۳۸۰: ۱۹۵).

ب) نوروز در دوره هخامنشی: کتیبه‌های هخامنشی و آثار تاریخی، از جمله سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید، نمایانگر آن هستند که نوروز در این دوره به‌عنوان یک جشن رسمی برگزار می‌شده است. در کاخ آپادانا تخت جمشید، نقش برجسته‌هایی از نمایندگان ملل مختلف دیده می‌شود که به دربار شاهنشاه هخامنشی هدایا تقدیم می‌کنند. این امر نشان‌دهنده اهمیت نوروز به‌عنوان جشنی خاص و همگانی در قلمرو هخامنشیان است (گیرشمن، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

ج) نوروز در دوران اشکانی و ساسانی: در دوره اشکانیان، نوروز همچنان جایگاه خود را حفظ کرد و در دربار شاهان اشکانی جشن گرفته می‌شد. اما در دوره ساسانیان، اهمیت این جشن بیشتر شد. نوروز در این دوره به دو بخش تقسیم شد: ۱- نوروز کوچک (پنج روز اول فروردین) - ۲- نوروز بزرگ (روز ششم فروردین، که به باور زرتشتیان، زادروز زرتشت نیز محسوب می‌شد). بر اساس گزارش‌های تاریخی، در این ایام مردم به شادی و سرور پرداخته و شاهان ساسانی هدایا دریافت می‌کردند (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۸۹). در برخی منابع آمده است که خسرو انوشیروان اصلاحات اداری و اجتماعی را در نوروز اعلام می‌کرد و این روز را فرصتی برای عفو عمومی و تجدید پیمان‌ها می‌دانست (کریستن‌سن، ۱۳۷۴: ۲۱۴).

جایگاه ویژه نوروز در دوران اسلامی و ابعاد اهمیت آن:

الف) در هنگامه ورود اسلام به ایران و گسترش دین اسلام: پس از گسترش اسلام در ایران و سایر کشورهای مسلمان، نوروز همچنان به‌عنوان یک جشن ملی-فرهنگی در نظر گرفته شد. با وجود مخالفت‌هایی که در آغاز از سوی برخی از علمای اسلام نسبت به نوروز مطرح شد، این جشن در بسیاری از جوامع اسلامی پذیرفته شد و حتی برخی از خلفای عباسی مانند هارون الرشید



از آن استقبال کردند. در دوره عباسیان، نوروز به‌عنوان یک جشن رسمی در دربار برگزار می‌شد و نه‌تنها جنبه فرهنگی، بلکه جنبه سیاسی نیز داشت. هارون الرشید نوروز را به‌عنوان فرصتی برای برگزاری جشن‌های درباری و اعلام اصلاحات اجتماعی استفاده می‌نمود (طبری، ۱۳۷۴: ۲۳۸/۵).

ب) نوروز در دوران سلجوقیان و مغولان: در دوران سلجوقیان و مغولان، نوروز به‌عنوان یک جشن مهم دارای اهمیت فرهنگی و سیاسی در دربارهای اسلامی مورد پذیرش قرار گرفت. سلطان سنجر، از فرمانروایان بزرگ سلجوقی، نوروز را به‌طور رسمی جشن می‌گرفت و آن را روزی برای تجدید بیعت و همبستگی در دربار اعلام کرد. در این دوره، نوروز به‌عنوان روزی برای برگزاری مراسم‌های رسمی، دیدار با درباریان و تحکیم روابط سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت (کیا، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

همچنین در دوره مغولان، چنگیزخان و جانشینانش مانند هلاکوخان به نوروز احترام می‌گذاشتند و در دربار خود این روز را جشن می‌گرفتند. در واقع، در دوره مغول، نوروز علاوه بر جنبه فرهنگی، به‌عنوان فرصتی برای تحکیم روابط میان ملت‌های مختلف در امپراتوری مغول نیز دارای اهمیت ویژه بود (شیراز، ۱۳۸۲: ۴۵).

ج) نوروز در دوران صفویه و قاجاریه: در دوره صفویه، نوروز دیگر بار به‌عنوان یکی از جشن‌های مهم در دربار شاهان صفوی مطرح شد. شاهان صفوی به ویژه شاه عباس اول، از نوروز برای تقویت مشروعیت سلطنت خود و تحکیم روابط با مردم استفاده می‌کردند. جشن نوروز در این دوره با مراسم خاصی مانند «حضور نوروزی» و جشن‌های درباری همراه بود. این جشن‌ها نه تنها به‌عنوان نمادی از هویت ملی ایرانیان بلکه به‌عنوان ابزاری برای تأکید بر قدرت سلطنت صفوی در برابر تهدیدات خارجی برگزار می‌شد (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۴۲۷).

در دوره قاجاریه، نوروز همچنان به‌عنوان جشن ملی و دینی برگزار می‌شد و در دربار ناصرالدین شاه قاجار و دیگر شاهان قاجاری، جشن‌های نوروزی برگزار می‌شد. این جشن‌ها به‌ویژه در سال‌های آخر سلطنت قاجاریان به یک سنت محبوب میان مردم تبدیل شده بود و بخش بزرگی از برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی در ایران به‌شمار می‌رفت (مظفری، ۱۳۶۹: ۵۶).



نوروز در شعر و ادبیات و تطابق با آموزه‌های اسلامی:

در شعر فارسی دوران اسلامی، نوروز به عنوان یکی از موضوعات مهم مورد توجه قرار گرفته است. شاعران بزرگ ایرانی همچون حافظ، سعدی، فردوسی و ابوالفرج اصفهانی در آثار خود به جشن نوروز اشاره کرده‌اند و آن را نمادی از تحول، خوشبختی و تجدید حیات می‌دانستند. در شعر حافظ، نوروز به عنوان زمانی برای تجدید عزم و عزت نفس در نظر گرفته شده است، جایی که انسان با گذر از سال گذشته، فرصتی برای شروعی دوباره پیدا می‌کند (حافظ، ۱۳۸۴: ۲۷۸).

با اینکه در آغاز، برخی از علمای اسلام نوروز را جشن غیر اسلامی می‌دانستند، اما با گذر زمان، برخی از علما و فقها به تطابق نوروز با آموزه‌های اسلامی اشاره کردند و آن را جشن طبیعت و بازگشت به طهارت و نظافت دانستند. در واقع، نوروز در دوران اسلامی به عنوان روزی برای تطهیر روح و جسم و تحکیم پیوند با طبیعت و خالق آن شناخته شد. در قرآن و سنت نیز تأکید بر اهمیت پاکیزگی، تجدید حیات و تعامل با طبیعت دیده می‌شود که این ویژگی‌ها در نوروز به وضوح مشاهده می‌شود.

جوانب نقش نوروز در حیات فرهنگی-اجتماعی، دینی و سیاسی کشور:

الف) نقش نوروز در تحکیم روابط اجتماعی و خانوادگی: در ایران امروز، نوروز به عنوان فرصتی برای تجدید روابط خانوادگی و اجتماعی مطرح است. یکی از ویژگی‌های بارز نوروز در ایران، دید و بازدیدهای گسترده میان خانواده‌ها و دوستان است که در این ایام انجام می‌شود. محمد معین، لغت‌شناس معروف ایرانی، در کتاب فرهنگ فارسی معین به ویژه به آداب و رسوم ویژه نوروز در ایران اشاره می‌کند که شامل خانه‌تکانی، سفره هفت‌سین و دیدار از بزرگترها می‌شود (معین، ۱۳۹۰: ۵۹۰). این دید و بازدیدها به تقویت روابط خانوادگی و دوستانه کمک می‌کند و به ویژه در جوامع روستایی و کوچک‌تر، موجب تحکیم پیوندهای اجتماعی و قومی می‌شود.

ب) نقش نوروز در همبستگی ملی: یکی دیگر از جنبه‌های مهم نوروز در ایران امروز، تأکید بر همبستگی ملی است. نوروز به عنوان یک مناسبت عمومی، به همه ایرانیان از تمامی اقوام و مذاهب مختلف فرصتی می‌دهد تا در یک مراسم ملی مشارکت کنند. حسین توکلی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، در مقاله‌ای تحت عنوان نوروز و نقش آن در همبستگی اجتماعی به این نکته اشاره



می‌کند که نوروز یکی از معدود مناسبت‌هایی است که در آن تمامی ایرانیان، از کرد و بلوچ تا فارس و ترک، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و این جشن را با یکدیگر برگزار می‌کنند (توکلی، ۱۳۹۵: ۲۳۴). این همبستگی اجتماعی و ملی در طول تاریخ ایران نیز وجود داشته است. در ادوار مختلف تاریخی، نوروز به‌عنوان روزی برای تجدید روابط سیاسی و اجتماعی در ایران مطرح بوده است و در دوره معاصر نیز این ویژگی همچنان باقی مانده است.

ج) نقش نوروز در تحولات دینی-مذهبی در کشور: در ایران امروزی، نوروز علاوه بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی، جنبه مذهبی نیز پیدا کرده است. این جشن، به‌ویژه در نزد شیعیان، با عیدهای مذهبی هم‌زمان است و در این ایام، مردم در کنار جشن گرفتن نوروز، به عبادات و مناسک دینی نیز می‌پردازند. آیت‌الله جعفر سبحانی، از مراجع تقلید، در مقاله‌ای در خصوص اهمیت نوروز در تقویت رابطه انسان با طبیعت و خداوند به این نکته اشاره کرده است که نوروز فرصتی است برای شکرگزاری از نعمت‌های خداوند و آغاز یک فصل جدید با روحی تازه و پاک (سبحانی، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

د) نقش نوروز در تحولات سیاسی کشور: در ایران معاصر، نوروز به‌عنوان یک نماد فرهنگی ملی در سیاست‌های عمومی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. به‌عنوان مثال، دولت‌ها در ایران به‌طور معمول از نوروز به‌عنوان فرصتی برای تقویت وحدت ملی، ترویج فرهنگ ایرانی و معرفی دستاوردهای کشور استفاده می‌کنند. سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، در سخنانی در نوروز ۲۰۰۳ به این نکته اشاره کرد که نوروز می‌تواند نمادی از وحدت و همبستگی در ایران باشد که با گرامیداشت این جشن، ایران می‌تواند روابط خود را با دیگر کشورها نیز تقویت نماید (خاتمی، ۱۳۸۲).

جایگاه ویژه نوروز در نظر مورخان بزرگ ایرانی و غیرایرانی و ابعاد اهمیت آن:

نوروز، جشن باستانی ایرانیان، از دیرباز تا به امروز در فرهنگ ایران و در تاریخ بشری اهمیت زیادی داشته است. این جشن که به‌عنوان آغاز سال جدید در تقویم ایرانی شناخته می‌شود، نه تنها در میان ایرانیان بلکه در بسیاری از کشورها و تمدن‌ها از جمله تمدن‌های اسلامی و غیرایرانی، جایگاه



ویژه‌ای پیدا کرده است. مورخان بزرگ ایرانی و غیرایرانی در آثار خود به اهمیت نوروز اشاره کرده‌اند.

الف) نوروز در نظر مورخان ایرانی: ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه خود به‌طور مفصل به نوروز اشاره کرده است. در شاهنامه، نوروز به‌عنوان روزی مهم و مقدس معرفی می‌شود که به جمشید، شاه پیشدادی، نسبت داده شده است. فردوسی در این اثر تاریخی-اسطوره‌ای خود، نوروز را نمادی از پیروزی خیر بر شر و تجدید حیات می‌داند. جمشید پس از پیروزی بر اهریمنان در این روز تاج‌گذاری کرده و روز نوروز را به‌عنوان آغاز سال نو در تاریخ ایران ثبت کرده است (فردوسی، ۱۳۸۹: ۲۴/۱).

ابن‌خردادبه، مورخ و جغرافی‌دان قرن نهم میلادی، در کتاب «المسالک و الممالک» به تفصیل درباره جشن نوروز در ایران و اهمیت آن در دوره ساسانی صحبت کرده است. او می‌گوید که نوروز در دوره ساسانی یکی از بزرگ‌ترین جشن‌ها بوده و در دربار شاهان ساسانی برگزار می‌شد. طبق گفتار ابن‌خردادبه، نوروز در این دوره علاوه بر جنبه فرهنگی، جنبه سیاسی نیز داشت و شاهان ساسانی در این روز اصلاحات و بخشش‌ها را اعلام می‌نمودند (ابن‌خردادبه، ۱۳۶۴: ۱۸۵).

مسعودی، یکی دیگر از مورخان ایرانی بزرگ قرون نخستین اسلامی، در کتاب مروج‌الذهب درباره نوروز نوشته است. او می‌گوید که این جشن نه‌تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای همسایه نیز برگزار می‌شود و در حقیقت به‌عنوان یک میراث فرهنگی مشترک در بسیاری از جوامع شناخته می‌شود. در نظر مسعودی، نوروز به‌عنوان یک جشن ملی ایرانی از دیرباز به‌عنوان فرصتی برای تجدید ارتباطات اجتماعی و فرهنگی اهمیت ویژه‌ای داشته است (مسعودی، ۱۳۶۹: ۱۰۴/۲).

میرزا محمدتقی‌خان فراهانی در تاریخ خود، به این نکته اشاره کرده است که نوروز نه‌تنها در دربارهای ایران، بلکه در دربار برخی از کشورهای هم‌مرز مانند ترکستان و هند نیز جشن گرفته می‌شد. او نوروز را یکی از نمادهای قدرتمندی فرهنگی ایران در جهان اسلام می‌داند (فراهانی، ۱۳۴۲: ۱۵۴).

عبدالحسین زرین‌کوب، ایران‌شناس برجسته، در اثر خود تاریخ مردم ایران به‌ویژه به اهمیت نوروز در حفظ و تقویت هویت ایرانیان اشاره می‌کند. او معتقد است که نوروز همواره نماد تجدید حیات و اتحاد میان ایرانیان بوده و این جشن در طول تاریخ همواره در تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی ایرانیان نقش مهمی ایفا کرده است (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۳۱۰).



ب) **نوروز در نظر مورخان غیرایرانی:** هرودت، مورخ یونانی قرن پنجم پیش از میلاد، در کتاب خود به طور مشخص به نوروز اشاره کرده است. او می نویسد که نوروز در ایران باستان به عنوان جشن سال نو و آغاز بهار برگزار می شد و در این روز ایرانیان به جشن و شادی می پرداختند. هرودت حتی به رسوم و آداب خاص نوروز اشاره کرده است، از جمله تقدیم هدایای ویژه و حضور نمایندگان ملل مختلف در دربار شاهنشاه ایران. طبق گزارش های هرودت، نوروز در زمان هخامنشیان به عنوان یک جشن ملی و رسمی در دربار شاهان ایران برگزار می شد و در آن، مردم از اقوام مختلف به دربار می آمدند تا برای آغاز سال نو به شاهان تبریک گویند. این گزارش نشان دهنده اهمیت سیاسی و اجتماعی نوروز در دوران باستان است. (هرودت، ۱۳۶۳: ۲۳۵ و ۲۳۷).

رومن گیرشمن، تاریخ نگار معروف فرانسوی، در کتاب «ایران از آغاز تا اسلام» به ویژه به جایگاه نوروز در دوره ساسانی پرداخته است. او معتقد است که نوروز در این دوره از مهم ترین جشن های امپراتوری ساسانی بوده و به عنوان روزی برای اعلام اصلاحات حکومتی، آغاز فصول جدید و تجدید روابط سیاسی و اجتماعی در نظر گرفته می شد. گیرشمن همچنین تأکید می کند که نوروز در این دوره نمادی از نظم و عدالت در امپراتوری ساسانی بوده است (گیرشمن، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

فردریک درووی، تاریخ نگار فرانسوی، در آثار خود به تأثیر نوروز بر سایر تمدن ها اشاره کرده است. او بر این باور است که نوروز نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از سرزمین های اسلامی و حتی در هند و ترکیه مورد توجه قرار گرفته و به یکی از جشن های معتبر در جهان مبدل گشته است. در نظر درووی، نوروز به عنوان نمادی از تجدید حیات و نوآوری فرهنگی در تاریخ بشری شناخته می شود و در تمدن های مختلف اثرگذار بوده است (درووی، ۱۳۷۲: ۹۷).

فرانسوا کوره، تاریخ نگار و ایران شناس فرانسوی، در کتاب تاریخ فرهنگ ایران به ویژه به نوروز به عنوان یک مراسم فرهنگی-اجتماعی با اهمیت جهانی اشاره کرده است. او نوروز را به عنوان جشنی می بیند که در تمام تاریخ ایران به عنوان نمادی از تحول و تجدید حیات مطرح بوده است. کوره همچنین بر این نکته تأکید می کند که نوروز در جهان اسلام و کشورهای دیگر آسیای میانه نیز جایگاه خاصی پیدا کرده است و تأثیرات آن در فرهنگ های مختلف به ویژه در ترکیه، افغانستان و کشورهای حوزه قفقاز دیده می شود (کوره، ۱۳۶۹: ۱۸۴).



پیتر جکسون، مورخ بریتانیایی، در بررسی تاریخ‌نگاری مغولان و تاثیر آنها بر فرهنگ ایران، به‌ویژه در دوره ایلخانان، به اهمیت نوروز اشاره می‌کند. او در کتاب تاریخ ایران مغول می‌نویسد که نوروز در دربار مغولان به‌عنوان یک جشن حکومتی مهم و نماد تجدید سلطنت و حکومت پذیرفته شد و در دوره ایلخانان به‌عنوان فرصتی برای برگزاری جشن‌های درباری و اعلام اصلاحات سیاسی مورد استفاده بوده است (جکسون، ۱۳۸۵: ۲۳۴).

اهمیت نوروز در فرهنگ و تمدن ایرانی:

نوروز نه‌تنها جشنی ملی، بلکه دارای مفاهیم دینی و کیهانی نیز بوده است. در باور زرتشتی، این روز نشان‌دهنده پیروزی روشنائی بر تاریکی و نظم بر بی‌نظمی است. این مفهوم، با آیین‌های تطهیر، خانه‌تکانی و روشن کردن آتش نیز ارتباط دارد (بویس، ۱۳۸۰: ۱۹۵).

نوروز همچنین بر فرهنگ کشورهای همجوار نیز تأثیر گذاشته است، به‌طوری که در بسیاری از سرزمین‌های حوزه تمدنی ایران، همچون آسیای میانه، شبه قاره هند، قفقاز و بین‌النهرین، این جشن همچنان برگزار می‌شود.

جایگاه ویژه نوروز در کشورهای دیگر و ابعاد اهمیت آن:

نوروز، جشن باستانی ایرانی که به‌عنوان آغاز سال نو در تقویم ایرانی شناخته می‌شود، نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر نیز به‌عنوان یک جشن مهم فرهنگی و اجتماعی شناخته می‌شود. نوروز به‌ویژه در کشورهای آسیای میانه، حوزه قفقاز، کشورهای حوزه خلیج فارس و حتی در محدوده هند نیز با اهمیت خاصی جشن گرفته می‌شود.

الف) نوروز در کشورهای آسیای میانه: در کشورهای آسیای میانه مانند ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان، نوروز به‌عنوان یک جشن ملی و فرهنگی مهم شناخته می‌شود. در این کشورها، نوروز نه تنها نمادی از آغاز سال نو است، بلکه به‌عنوان فرصتی برای تجدید روابط اجتماعی، همبستگی قومی و تقویت هویت فرهنگی استفاده می‌شود.



در ازبکستان، نوروز به عنوان بزرگ‌ترین جشن سالانه برگزار می‌شود. این جشن نه تنها در شهرهای بزرگ بلکه در روستاها نیز با آداب و رسوم خاص خود جشن گرفته می‌شود. تاجیکستان نیز جشن نوروز را با برگزاری مراسمی مانند پختن غذاهای خاص، رقص و آوازهای سنتی و بازی‌های فرهنگی پاس می‌دارد (سمیعی، ۱۳۹۳: ۴۲).

ب) نوروز در کشورهای حوزه قفقاز: در ارمنستان و جمهوری آذربایجان، نوروز به عنوان جشن ملی و فرهنگی برگزار می‌شود. در جمهوری آذربایجان، این جشن یکی از مهم‌ترین مراسم فرهنگی است که با اجرای رقص‌های سنتی، نمایش‌های هنری و مراسم ویژه همراه است. در جمهوری آذربایجان نوروز به عنوان نمادی از بازسازی طبیعت و پیوند انسان‌ها با یکدیگر شمرده می‌شود (مسعودی، ۱۳۹۲: ۷۶).

ج) نوروز در کشورهای حوزه خلیج فارس: در کشورهای افغانستان، عراق و بحرین، نوروز به عنوان یک جشن ملی و تاریخی با ریشه‌های فرهنگی عمیق برگزار می‌شود. در افغانستان، نوروز نه تنها به عنوان آغاز سال نو، بلکه به عنوان جشن تجدید روابط اجتماعی و فرهنگی در میان مردم مختلف شناخته می‌شود (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

د) نوروز در هند: در هند، نوروز به‌ویژه در ایالت جامو و کشمیر، مهاراشترا و گجرات با آداب و رسوم خاصی جشن گرفته می‌شود. در این مناطق، نوروز به عنوان یک جشن بهاری با آداب ویژه خود، از جمله پختن غذاهای خاص، پوشیدن لباس‌های نو و برگزاری مراسم مذهبی، جشن گرفته می‌شود. در مهاراشترا، این جشن به عنوان «گودی پادوا» شناخته می‌شود که مشابه نوروز ایرانی است و به عنوان آغاز فصل جدید در تقویم هندیان برگزار می‌شود (Rajawat, 2020: 65).

نوروز به عنوان یک نماد فرهنگی جهانی:

در سال ۲۰۱۰ میلادی، سازمان ملل متحد روز بیستم مارس را به عنوان روز جهانی نوروز اعلام کرد. این روز به عنوان فرصتی برای معرفی نوروز به عنوان یک میراث فرهنگی مشترک بشری شناخته شده و در بسیاری از کشورهای دنیا جشن گرفته می‌شود. این اقدام سازمان ملل متحد به‌ویژه در تقویت همبستگی فرهنگی و اجتماعی میان ملت‌ها و همچنین احترام به تنوع فرهنگی نقش مهمی ایفا کرده است (United Nations, 2010).



تاریخ‌نگارانی همچون کلیفورد گیرتز در بررسی تأثیر نوروز بر روابط اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف، تأکید دارند که نوروز تنها یک جشن بهاری نیست، بلکه نمادی از پیوند انسان‌ها با یکدیگر و با طبیعت است که در سراسر تاریخ و در فرهنگ‌های مختلف جهانی اهمیت داشته است. گیرتز بر این باور است که نوروز می‌تواند به‌عنوان یک فرصت برای ایجاد همبستگی اجتماعی و تقویت هویت ملی در جوامع مختلف استفاده شود (گیرتز، ۱۳۸۱: ۹۵).

نتیجه‌گیری:

نوروز در دوران باستان، علاوه بر جنبه‌های اجتماعی و دینی، به‌عنوان یک نماد از نظم و تجدید حیات در جهان شناخته می‌شد. این جشن در دوران اسلامی به‌عنوان یک جشن باستانی که ریشه‌های عمیق فرهنگی و دینی در تاریخ ایران دارد، همچنان در زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایرانیان اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و از جنبه‌های مختلفی مانند تقویت هویت ملی، تجدید پیمان‌های سیاسی، توسعه روابط اجتماعی و همچنین تأکید بر تحول روحی و جسمی در فرهنگ اسلامی، مورد توجه قرار گرفت و به بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ و فرهنگ ایران تبدیل شد. نوروز، فراتر از یک جشن ملی، نمادی از تداوم هویت ایرانی و پیوند آن با اسطوره‌ها، دین و سیاست در طول تاریخ بوده است. از دوره هخامنشیان تا ساسانیان، این جشن نقش مهمی در انسجام اجتماعی و فرهنگی ایران ایفا کرده و تا امروز همچنان به‌عنوان مهم‌ترین جشن ایرانیان باقی مانده است. این اهمیت تاریخی و فرهنگی نوروز باعث شده است که این جشن با گذشت زمان، همچنان در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر گرامی داشته شود.

منابع و مأخذ:

ابن خردادبه، (۱۳۶۴)، المسالک و الممالک، ترجمه احمد شامی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
بویس، مری، (۱۳۸۰)، زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنان، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر چشمه.
تاریخ طبری، (۱۳۷۴)، تاریخ طبری، ترجمه محمدعلی دردانه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.



- توکلی، حسین، (۱۳۹۵)، نوروز و نقش آن در همبستگی اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری، حسین، (۱۳۹۰)، نوروز در کشورهای خلیج فارس، تهران: انتشارات روزگار.
- جکسون، پیتر، (۱۳۸۵). تاریخ ایران مغول، ترجمه علیرضا پاکتچی، تهران: نشر هرمس.
- حافظ، خواجه شمس‌الدین، (۱۳۸۴)، دیوان حافظ، تصحیح محمدجعفر یاحقی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خاتمی، سیدمحمد، (۱۳۸۲)، سخنرانی رئیس‌جمهور در نوروز، تهران: دفتر ریاست جمهوری.
- درووی، فردریک، (۱۳۷۲)، تاریخ نوروز در تمدن‌های مختلف، ترجمه محسن علیزاده، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، تاریخ مردم ایران، تهران: انتشارات سخن.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۹۸)، نوروز و رابطه انسان با طبیعت و خداوند، قم: انتشارات مؤسسه تحقیقاتی سمیعی، امیر، (۱۳۹۳)، نوروز در آسیای میانه، تهران: انتشارات دانش‌پژوه.
- شیراز، حبیب‌الله، (۱۳۸۲)، تاریخ مغولان، تهران: انتشارات فرهنگ.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹)، شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- کریستن‌سن، آرتور، (۱۳۷۴)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کوره، فرانسوا، (۱۳۶۹). تاریخ فرهنگ ایران، ترجمه محمود افشار، تهران: انتشارات علم.
- کیا، محمد، (۱۳۹۵)، سلجوقیان و فرهنگ ایرانی، تهران: نشر میراث ایرانی.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۸۰)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیئر، کلیفورد، (۱۳۸۱)، تأثیر نوروز در جوامع مختلف، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.



- مزداپور، کتایون، (۱۳۸۱)، جشن‌های ایرانی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- مسعودی، (۱۳۶۹)، مروج‌الذهب، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسعودی، علی، (۱۳۹۲)، نوروز در کشورهای قفقاز، تهران: انتشارات پژواک.
- مظفری، محمد، (۱۳۶۹)، تاریخ قاجاریه، تهران: نشر سازمان انتشارات.
- معین، محمد، (۱۳۹۰)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات معین.
- میراث فرهنگی ایران، (۱۳۹۹)، گزارش سالانه صنعت گردشگری ایران در نوروز، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- هرودت، (۱۳۶۳)، تاریخ هرودت، ترجمه ابراهیم پورداوود، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Rajawat, Amit, (2020), Nowruz in India: Cultural and Social Impacts, Mumbai: Hindustan Press.

United Nations, (2010), International Nowruz Day 21 March, Accessible at: <https://www.un.org/en/observances/international-nowruz-day>.



An Analysis of the Evolution of Nowruz at the National and International Levels in Alignment with Iranian Culture and Civilization

Abstract

Nowruz is one of the oldest Iranian festivals, deeply rooted in the ancient traditions of this land. This festival not only marks the beginning of the new year in the Solar Hijri calendar but also holds a significant position from both mythological and historical perspectives.

Introduction

Nowruz, the ancient Iranian festival that marks the start of the new year in the Iranian calendar, continues to hold a special place as a cultural and social event in contemporary Iran. Celebrated at the onset of spring, this festival symbolizes the renewal of nature and is recognized as one of the most important cultural, social, and national occasions in Iran. In modern times, in addition to its cultural significance, Nowruz has gained economic, political, and social dimensions, playing a fundamental role in various domains.

Keywords: Nowruz, Culture, History, Country

Origins and Historical Background of Nowruz in Ancient Texts and Eras

a) Nowruz in Mythological and Zoroastrian Texts

According to Ferdowsi's Shahnameh, Nowruz is attributed to Jamshid, a mythical Persian king. In this account, after implementing reforms and enhancing societal welfare, Jamshid ascended the throne and illuminated the world, leading to the naming of this day as "Nowruz" (Ferdowsi, 1389: 1/34).



From a Zoroastrian perspective, Nowruz is associated with the creation of humanity and the renewal of nature. Pahlavi texts such as Bundahishn and Denkard emphasize that Nowruz marked the world's rejuvenation and was considered a sacred day in the Zoroastrian calendar (Mazdapour, 1381: 23). On this day, Ahriman was defeated, restoring balance and order to the world (Boyce, 1380: 195).

b) Nowruz During the Achaemenid Era

Achaemenid inscriptions and historical artifacts, including the bas-reliefs of Persepolis, indicate that Nowruz was officially celebrated during this period. The Apadana Palace at Persepolis features reliefs depicting representatives of different nations presenting gifts to the Achaemenid monarch, highlighting the significance of Nowruz as a grand and unifying festival within the empire (Ghirshman, 1380: 127).

c) Nowruz in the Parthian and Sassanian Periods

Nowruz maintained its prominence during the Parthian era and was celebrated in the royal courts. However, its significance further increased during the Sassanian period. At that time, Nowruz was divided into two parts: 1- Little Nowruz (the first five days of Farvardin) -2- Great Nowruz (the sixth day of Farvardin, believed by Zoroastrians to be the birthday of Zoroaster).

Historical accounts indicate that during these celebrations, people engaged in festivities, and Sassanian kings received gifts (Zarrinkoub, 1378: 89). Some sources suggest that Khosrow Anushirvan used Nowruz as an opportunity to announce administrative and social reforms, viewing it as a time for granting amnesty and renewing agreements (Christensen, 1374: 214).



The Special Status of Nowruz in the Islamic Era and Its Significance

a) Nowruz During the Advent of Islam and Its Expansion

Following the spread of Islam in Iran and other Muslim nations, Nowruz continued to be regarded as a national and cultural festival. Despite initial opposition from some Islamic scholars, the celebration of Nowruz was gradually accepted in many Islamic societies. Even some Abbasid caliphs, such as Harun al-Rashid, embraced it. During the Abbasid era, Nowruz became an official court festival with cultural and political significance. Harun al-Rashid utilized Nowruz as an occasion for courtly celebrations and the announcement of social reforms (Tabari, 1374: 5/238).

b) Nowruz During the Seljuk and Mongol Periods

During the Seljuk and Mongol eras, Nowruz retained its cultural and political importance within Islamic courts. Sultan Sanjar, a prominent Seljuk ruler, officially celebrated Nowruz, recognizing it as a day for reaffirming loyalty and solidarity within the royal court. In this period, Nowruz was marked by official ceremonies, meetings with courtiers, and the strengthening of political and social ties (Kia, 1395: 123).

Similarly, in the Mongol period, Genghis Khan and his successors, such as Hulagu Khan, respected Nowruz and celebrated it in their courts. In fact, under Mongol rule, Nowruz not only maintained its cultural significance but also served as an opportunity to reinforce diplomatic relations among the diverse nations within the Mongol Empire (Shiraz, 1382: 45).

c) Nowruz During the Safavid and Qajar Eras

During the Safavid period, Nowruz once again emerged as one of the most significant celebrations in the royal court. The Safavid kings, particularly Shah Abbas I, utilized Nowruz to reinforce the legitimacy of their rule and strengthen relations with the people. The festival during this period was accompanied by special ceremonies such as Hozur-e Nowruzi (Nowruz Presence) and elaborate court celebrations. These festivities not only symbolized the national identity of Iranians but also



served as a tool for emphasizing the power of the Safavid monarchy in the face of external threats (Zarrinkoub, 1378: 427).

During the Qajar era, Nowruz continued to be celebrated as both a national and religious festival. It remained a prominent tradition in the royal courts of Naser al-Din Shah Qajar and other Qajar rulers. By the later years of the Qajar dynasty, Nowruz had become a widely cherished custom among the people and was an integral part of Iran's cultural and social programs (Mozaffari, 1369: 56).

Nowruz in Persian Literature and Its Alignment with Islamic Teachings

In Islamic Persian literature, Nowruz has been an important theme, celebrated by great poets like Hafez, Saadi, Ferdowsi, and Abulfaraj Asfahani. These poets depicted Nowruz as a symbol of transformation, happiness, and the renewal of life. In Hafez's poetry, Nowruz is seen as a time to renew one's resolve and self-worth, where the passage of the past year offers a chance for a fresh start (Hafez, 1384: 278).

Initially, some Islamic scholars considered Nowruz a non-Islamic celebration, but over time, some scholars and jurists began to recognize its compatibility with Islamic teachings. They viewed it as a celebration of nature, cleanliness, and purity. In fact, during the Islamic period, Nowruz became known as a day for purifying the body and soul, strengthening the bond with nature and its Creator. The importance of cleanliness, renewal of life, and interaction with nature is emphasized in the Quran and Hadith, aligning with the characteristics observed in Nowruz.



Aspects of Nowruz's Role in Cultural, Social, Religious, and Political Life

a) Nowruz's Role in Strengthening

Social and Family Bonds in modern Iran, Nowruz is seen as an opportunity to renew family and social relationships. One of the distinctive features of Nowruz in Iran is the widespread visits between families and friends during this time. Mohammad Mo'in, the famous Iranian lexicographer, particularly highlights the special customs of Nowruz in Iran in his "Farhang Farsi Mo'in," which includes house cleaning, the Haft-Seen table, and visits to elders (Mo'in, 1390: 590). These visits help strengthen family and friendly ties and particularly in rural and smaller communities, they reinforce social and ethnic bonds.

b) Nowruz's Role in National Unity

Another important aspect of Nowruz in contemporary Iran is its emphasis on national unity. As a public occasion, Nowruz offers all Iranians, from various ethnicities and religions, the opportunity to participate in a national celebration. Hossein Tavakoli, a sociology professor at the University of Tehran, mentions in his article "Nowruz and Its Role in Social Cohesion" that Nowruz is one of the rare occasions where all Iranians, from Kurds and Baluchis to Persians and Turks, come together to celebrate (Tavakoli, 1395: 234). This social and national unity has been present throughout Iran's history. In various historical periods, Nowruz has served as a day for renewing political and social relations in Iran, a feature that continues to persist in modern times.

c) Nowruz's Role in Religious-Moral Transformations

In contemporary Iran, Nowruz has also acquired religious significance. Particularly among Shia Muslims, it coincides with religious holidays, and during this time, people not only celebrate Nowruz but also engage in religious rituals and practices. Ayatollah Ja'far Subhani, a prominent Shia cleric, emphasized in an article on the importance of Nowruz in strengthening the relationship between humans, nature, and God, stating



that Nowruz is an opportunity to give thanks for God's blessings and to begin a new season with a fresh and pure spirit (Subhani, 1398: 110).

d) Nowruz's Role in Political Transformations

In contemporary Iran, Nowruz, as a national cultural symbol, also holds a special place in public policy. Governments in Iran typically use Nowruz as an opportunity to strengthen national unity, promote Iranian culture, and showcase the country's achievements. Former President Mohammad Khatami, in his Nowruz speech in 2003, remarked that Nowruz could be a symbol of unity and cohesion in Iran, and by celebrating this festival, Iran could also strengthen its relations with other countries (Khatami, 1382).

The Special Significance of Nowruz in the Eyes of Prominent Historians, Both Iranian and Non-Iranian, and Its Dimensions and Importance

Nowruz, the ancient Iranian celebration, has held great significance in Iranian culture and in human history from ancient times to the present. This festival, which marks the beginning of the new year in the Iranian calendar, has gained a special place not only among Iranians but also in many countries and civilizations, including Islamic and non-Iranian cultures. Prominent historians, both Iranian and non-Iranian, have discussed the importance of Nowruz in their works.

- Nowruz in the View of Iranian Historians

a) Abu'l-Qasem Ferdowsi

In his epic *Shahnameh*, Ferdowsi extensively references Nowruz, presenting it as a sacred and important day, attributed to Jamshid, the legendary Pishdadian king. Ferdowsi regards Nowruz as a symbol of the victory of good over evil and the renewal of life. After defeating the demons, Jamshid is crowned on this day, marking the beginning of the new year in Iranian history (Ferdowsi, 1389: 1/24).

b) Ibn Khordadbeh



The 9th-century historian and geographer Ibn Khordadbeh, in his book *Al-Masālik wa al-Mamālik*, elaborates on the celebration of Nowruz in Iran and its significance during the Sassanian period. He mentions that Nowruz was one of the grandest festivals during the Sassanian era, celebrated in the royal court. According to Ibn Khordadbeh, Nowruz had both cultural and political dimensions, as Sassanian kings used the occasion to announce reforms and grant pardons (Ibn Khordadbeh, 1364: 185).

c) Al-Masudi

Another important historian, Al-Masudi, in his *Muruj al-Dhahab*, writes that Nowruz was celebrated not only in Iran but also in many neighboring countries, becoming a shared cultural heritage in many societies. For Al-Masudi, Nowruz was seen as a national Iranian festival, historically important for renewing social and cultural connections (Masudi, 1369: 2/104).

d) Mirza Mohammad Taqi Khan Farahani

In his historical work, Farahani mentions that Nowruz was celebrated not only in the royal courts of Iran but also in the courts of neighboring countries such as Turkestan and India. He views Nowruz as one of Iran's powerful cultural symbols within the Islamic world (Farahani, 1342: 154).

e) Abdulhossein Zarrinkoub

The renowned Iranian scholar Zarrinkoub, in his *History of the Iranian People*, emphasizes the importance of Nowruz in preserving and strengthening the identity of Iranians. He argues that Nowruz has always been a symbol of renewal and unity among Iranians and has played a significant role in reinforcing their cultural and social identity throughout history (Zarrinkoub, 1378: 310).



-Nowruz in the View of Non-Iranian Historians:

a) Herodotus

The 5th-century BC Greek historian Herodotus specifically mentions Nowruz in his *Histories*. He writes that Nowruz in ancient Persia was celebrated as the new year's festival marking the arrival of spring. Herodotus describes the customs associated with Nowruz, including the exchange of special gifts and the presence of representatives from various nations in the royal court of the Persian king. According to Herodotus, Nowruz during the Achaemenid era was a national and official festival, with people from different ethnic groups coming to the royal court to offer their congratulations to the king for the new year. This account highlights the political and social importance of Nowruz in ancient times (Herodotus, 1363: 235 and 237).

b) Roman Ghirshman

The famous French Historian Roman Ghirshman, in his book *Iran from the Beginning to Islam*, specifically addresses the significance of Nowruz during the Sassanian period. He argues that Nowruz was one of the most important festivals of the Sassanian Empire, seen as a day for announcing governmental reforms, the beginning of new seasons, and renewing political and social relations. Ghirshman also emphasizes that Nowruz during this period symbolized order and justice in the Sassanian Empire (Ghirshman, 1380: 110).

c) Frederic Duroui

The French historian Frederic Duroui highlights the impact of Nowruz on other civilizations. He believes that Nowruz was not only celebrated in Iran but also became significant in many Islamic lands, and even in India and Turkey, turning into one of the most respected festivals worldwide. For Duroui, Nowruz symbolizes renewal and cultural innovation in human history, influencing various civilizations (Duroui, 1372: 97).



d) Francois de Courteille

The French historian and Iranologist François de Courteille, in his book *The History of Iranian Culture*, particularly mentions Nowruz as a cultural and social ceremony with global significance. He views Nowruz as a festival that has historically represented transformation and the renewal of life in Iran.

François de Courteille also emphasizes that Nowruz has gained special significance in the Islamic world and other Central Asian countries, and its influences can be seen in various cultures, especially in Turkey, Afghanistan, and the Caucasus region (Courteille, 1369: 184).

Peter Jackson, a British historian, in his study of Mongol historiography and their influence on Iranian culture, particularly during the Ilkhanid period, highlights the importance of Nowruz. In his book *The History of the Mongol Iran*, Jackson writes that Nowruz was accepted in the Mongol court as an important state festival, symbolizing the renewal of sovereignty and governance. During the Ilkhanid period, it was used as an opportunity for royal celebrations and the announcement of political reforms (Jackson, 1385: 234).

The Importance of Nowruz in Iranian Culture and Civilization

Nowruz has not only been a national celebration but also carries religious and cosmic significance. In Zoroastrian beliefs, this day symbolizes the victory of light over darkness and order over chaos. This concept is linked with rituals of purification, spring cleaning, and lighting fires (Boyce, 1380: 195).

Nowruz has also influenced the culture of neighboring countries, so much so that in many regions within the Iranian cultural sphere, such as Central Asia, the Indian subcontinent, the Caucasus, and Mesopotamia, this celebration continues to be held.



The Special Place of Nowruz in Other Countries and Its Significance

Nowruz, the ancient Iranian celebration recognized as the start of the New Year in the Iranian calendar, is not only significant in Iran but also widely celebrated in many other countries as an important cultural and social event. Nowruz is particularly celebrated with special significance in Central Asia, the Caucasus region, the Persian Gulf countries, and even parts of India.

a) Nowruz in Central Asian Countries

In Central Asian countries such as Uzbekistan, Tajikistan, Turkmenistan, and Kyrgyzstan, Nowruz is recognized as an important national and cultural celebration. In these countries, Nowruz is not only a symbol of the new year but also serves as an opportunity to renew social ties, reinforce ethnic unity, and strengthen cultural identity.

In Uzbekistan, Nowruz is celebrated as the largest annual festival. This celebration is observed not only in major cities but also in rural areas, where it is marked with its own unique customs and rituals. Tajikistan also celebrates Nowruz with special events such as cooking traditional foods, folk dances, songs, and cultural games (Samiei, 1393: 42).

b) Nowruz in the Caucasus Region

In Armenia and Azerbaijan, Nowruz is celebrated as a national and cultural festival. In Azerbaijan, this celebration is one of the most important cultural events, featuring traditional dances, artistic performances, and special ceremonies. In Azerbaijan, Nowruz is viewed as a symbol of the renewal of nature and the bond between people (Masoudi, 1392: 76).

c) Nowruz in the Persian Gulf Countries

In countries such as Afghanistan, Iraq, and Bahrain, Nowruz is celebrated as a national and historical festival with deep cultural roots. In Afghanistan, Nowruz is not only regarded as the start of the New Year but also as a celebration for renewing social and cultural relations among different communities (Jafari, 1390: 120).



d) Nowruz in India

In India, Nowruz is celebrated, especially in the states of Jammu and Kashmir, Maharashtra, and Gujarat, with unique customs and rituals. In these regions, Nowruz is a spring celebration, marked by traditional dishes, wearing new clothes, and holding religious ceremonies. In Maharashtra, this festival is known as "Gudi Padwa," which resembles the Iranian Nowruz and is celebrated as the beginning of a new season in the Indian calendar (Rajawat, 2020: 65).

Nowruz as a Global Cultural Symbol

In 2010, the United Nations declared March 20th as International Nowruz Day. This day is recognized as an opportunity to introduce Nowruz as a shared cultural heritage of humanity, celebrated in many countries worldwide. This initiative by the United Nations has played a significant role in strengthening cultural and social solidarity among nations and in promoting respect for cultural diversity (United Nations, 2010).

Historians like Clifford Geertz, in analyzing the impact of Nowruz on social and cultural relations in different societies, emphasize that Nowruz is not merely a spring festival but a symbol of the connection between people and nature, which has been significant throughout history and across diverse cultures globally. Geertz believes that Nowruz can serve as an opportunity to foster social cohesion and strengthen national identity in various communities (Geertz, 1381: 95).

Conclusion

In ancient times, Nowruz was recognized not only for its social and religious aspects but also as a symbol of order and renewal of life in the world. During the Islamic period, this ancient celebration, with its deep cultural and religious roots in Iran's history, continued to hold special significance in the social, political, and cultural life of Iranians. It was valued for its role in reinforcing national identity, renewing political



alliances, developing social relations, and emphasizing both spiritual and physical transformation in Islamic culture. Nowruz became an inseparable part of Iran's history and culture. Beyond being a national celebration, Nowruz has served as a symbol of the continuity of Iranian identity and its connection with mythology, religion, and politics throughout history. From the Achaemenid period to the Sassanid era, this celebration played a significant role in social and cultural cohesion in Iran, and it remains today as the most important celebration for Iranians. This historical and cultural importance of Nowruz has ensured that, over time, the celebration continues to be honored in Iran and many other countries.

Sources

Ibn Khordadbeh, (1985), *Al-Masalik wa al-Mamalik*, translated by Ahmad Shami, Tehran: Scientific and Cultural Publishing.

Boyce, Mary, (2001), *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices*, translated by Zhaleh Amuzgar and Ahmad Tafazzoli, Tehran: Cheshmeh Publishing.

History of Tabari, (1995), *History of Tabari*, translated by Mohammad Ali Dardaneh, Tehran: Scientific and Cultural Publishing.

Tavakoli, Hossein, (2016), *Nowruz and Its Role in Social Cohesion*, Tehran: University of Tehran Publishing.

Jafari, Hossein, (2011), *Nowruz in the Gulf Countries*, Tehran: Rozegar Publishing.

Jackson, Peter, (2006), *The Mongol History of Iran*, translated by Alireza Pakatchi, Tehran: Hermes Publishing.

Hafez, Khwaja Shams al-Din, (2005), *Divan of Hafez*, edited by Mohammad Jafar Yahaghi, Tehran: Amir Kabir Publishing.

Khatami, Seyed Mohammad, (2003), *Presidential Speech on Nowruz*, Tehran: Office of the Presidency.



Deroway, Frederick, (1993), *The History of Nowruz in Different Civilizations*, translated by Mohsen Alizadeh, Tehran: Research Institute of Culture.

Zarinkoub, Abdolhossein, (1999), *The History of the Iranian People*, Tehran: Sokhan Publishing.

Sobhani, Jafar, (2020), *Nowruz and the Relationship Between Humans, Nature, and God*, Qom: Research Institute Publishing.

Samiei, Amir, (2014), *Nowruz in Central Asia*, Tehran: Danesh-Pazhoo Publishing.

Shiraz, Habibullah, (2003), *History of the Mongols*, Tehran: Farhang Publishing.

Ferdowsi, Abu al-Qasim, (2010), *Shahnameh*, edited by Jalal Khaleghi-Motlagh, Tehran: The Great Encyclopedia of Islam.

Christensen, Arthur, (1995), *Iran in the Sassanian Period*, translated by Rashid Yasami, Tehran: Amir Kabir Publishing.

Kura, François, (1990), *History of Iranian Culture*, translated by Mahmoud Afshar, Tehran: Ilm Publishing.

Kia, Mohammad, (2017), *The Seljuks and Iranian Culture*, Tehran: Iranian Heritage Publishing.

Ghirshman, Roman, (2001), *Iran from the Beginning to Islam*, translated by Mohammad Mo'in, Tehran: Scientific and Cultural Publishing.

Geer, Clifford, (2002), *The Influence of Nowruz in Different Societies*, translated by Bahaddin Khormashahi, Tehran: Islamic Azad University Publishing.

Mazda-Pour, Katayoun, (2002), *Iranian Festivals*, Tehran: The Great Encyclopedia of Islam.

Masoudi, (1990), *Muruji al-Dhahab*, translated by Mohammad Ibrahim Ayati, Tehran: Scientific and Cultural Publishing.



Masoudi, Ali, (2013), Nowruz in the Caucasus Countries, Tehran: Pavoak Publishing.

Mozaffari, Mohammad, (1990), History of the Qajar Period, Tehran: Organization of Publishing.

Moein, Mohammad, (2011), Moein Persian Dictionary, Tehran: Moein Publishing.

Iranian Cultural Heritage, (2020), Annual Report on Iran's Tourism Industry During Nowruz, Tehran: Iranian Cultural Heritage Organization.

Herodotus, (1984), History of Herodotus, translated by Ibrahim Pourdavood, Tehran: Translations and Book Publishing Company.

Rajawat, Amit, (2020), Nowruz in India: Cultural and Social Impacts, Mumbai: Hindustan Press.

United Nations, (2010), International Nowruz Day 21 March, Accessible at: <https://www.un.org/en/observances/international-nowruz-day>.